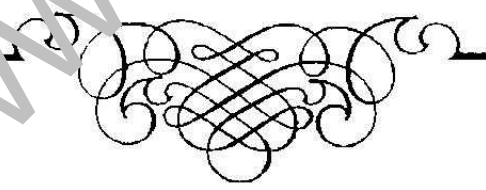


# تجلی ناب

(زندگی نامہ شہید حسین شمس)

اعظم بیات - زندہ یادِ دکتر زبیبیات



|                     |   |                                                                |
|---------------------|---|----------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | بیات، اعظم، ۱۳۵۹-                                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : | تجلی ناب: (زندگی نامه شهید حسین شمسی) // اعظم بیات، زهرا بیات. |
| مشخصات نشر          | : | شیراز: فرهنگستان ادب، ۱۳۹۸.                                    |
| مشخصات ظاهری        | : | ۵۴ ص: جدول؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.                                     |
| شابک                | : | 978-622-6867-00-9                                              |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | فیا                                                            |
| عنوان دیگر          | : | زندگی نامه شهید حسین شمسی.                                     |
| موضوع               | : | شمسی، حسین، ۱۳۳۸-۱۳۶۰.                                         |
| موضوع               | : | شهیدان -- ایران -- خمین -- سرگذشتنامه                          |
| موضوع               | : | Martyrs -- Iran -- Khomeyn -- Biography                        |
| موضوع               | : | جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه            |
| موضوع               | : | Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Biography               |
| شناسه افزوده        | : | بیات، زهرا، ۱۳۵۷-۱۳۹۸.                                         |
| رده بندی کنگره      | : | DSR ۱۶                                                         |
| رده بندی دیویی      | : | ۸۴۳-۹۵۵                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۵۷ ۲۰۵۰                                                        |



شهرک رضوان کوچه ۵ آخر کوچه سمت چپ کد پستی: ۷۱۷۹۶۵۳۵۴۹

شماره تلفن: ۰۹۱۷۰۸۸۳۳۹۳

E-mail: Farhangestaneadab@gmail.com

□□□

تجلی ناب (زندگی نامه شهید حسین شمسی)

اعظم بیات - زهرا بیات

□□□

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۸ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۶۷-۰۰-۹

□□□

ویراستار: امیر طاهری / طرح جلد: مصطفی رستمی / صفحه آرا: اطلس دهقانی

چاپ و صحافی: سمن / قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

□□□

ارتباط با نویسنده:

۰۹۱۸۴۹۲۷۸۵۶

□□□

حق چاپ محفوظ است

## فهرست مطالب

| عنوان                                                              | صفحه |
|--------------------------------------------------------------------|------|
| مقدمه.....                                                         | ۷    |
| چکیده ای از زندگی شهید شمس.....                                    | ۱۳   |
| سردار شهید حسین شمسی - چراغ روشن.....                              | ۱۴   |
| بزرگ مرد قله‌ی شمش.....                                            | ۱۷   |
| فرازی از وصیت نامه شهید.....                                       | ۱۸   |
| حمید مشایخی از خصائل او می‌گوید.....                               | ۱۹   |
| برادر مجید مشایخی در رسای مجاهدی از کاروان شهید می‌گوید.....       | ۲۰   |
| محمد حسن محمدی می‌گوید: حسین با پای خونین رزم را به ایران برد..... | ۲۲   |
| دکتر اصفری (مدرس دانشگاه اصفهان): او دانش آموزی و معلم بود.....    | ۲۴   |
| برادر عباسی از مبارزه‌ی آتشین شهید شمس می‌گوید.....                | ۲۷   |
| توصیف مجاهدت‌های حسین شمس به زبان.....                             | ۲۹   |
| وصف حال رهیویان با شهید شمس.....                                   | ۳۱   |
| وصال یار.....                                                      | ۳۱   |
| خاطره دیگر از زبان برادر رزمنده ای دیگر.....                       | ۳۴   |
| «چراغ اتوبوس».....                                                 | ۳۴   |
| زندگی و مبارزات شهید شمس قبل از انقلاب.....                        | ۳۷   |
| فعالیت‌های بعد از انقلاب.....                                      | ۴۱   |

- ۴۴ ..... علی اکبری گفت: بمب‌های سنگی کار خودش را کرد.
- ۴۶ ..... محمدرضا جعفری از آشنایی می‌گوید
- ۴۶ ..... «اعلامیه»
- ۴۶ ..... «سیگار»
- ۴۷ ..... اسماء ل محمودی: او خود نوید پیروزی بود
- ۴۷ ..... عکس یادگاری
- ۴۷ ..... زمین
- ۴۸ ..... آخرین قطره خون
- ۴۹ ..... برادر از برادر چه می‌گوید
- ۵۲ ..... وصیت‌نامه شهید حسین شمس‌ی که خودش نامه عنوانش کرد

سخن گفتن از شهید و شهادت ابزار کلامی است بس دشوار، زیرا اصلاً در لفظ نمی‌گنجد که بتوان با الفاظ و اصطلاح‌های مادی و دنیوی از عظمت‌ها و بزرگ‌آفرینی‌های آن سخن گفت، بلکه حالتی است شگرف به سوی تنها معشوق و تنها معبود یگانه. آن سببی می‌توانند از این موهبت‌ها سخن برانند که خود دارای آن حال و هوا باشند و در سوز و گداز رسیدن به چنان معشوقی، اگر اجل الهی نبود، چشم بر هم زدن جان در بستان قرین نمی‌گرفت.

اولین قطره‌ای که از خون شهید به زمین ببارد تمام گناهی که کرده آمرزیده می‌شود. درباره شهید آن قدر در اسلام و از اولیای اسلام راه گفته شده است در رسای قداست شهادت که انسان متحیر می‌شود.

در روایتی از رسول اکرم «ص» نقل شده است: برای شهید هفت موهبت است که اولی آن عبارت است از اینکه قطره‌ای که از خون او به زمین بریزد، تمام گناهی که کرده است آمرزیده می‌شود و مهم آن، آخرین فضیلتی است که می‌فرماید: «بر حسب این روایت شهید نظر می‌کند به «وجه الله» و این نظر به وجه الله، راحت است برای هر نبی و هر شهید. شاید نکته این باشد که حجاب‌هایی که انبیاء، همه چیز را در راه خدا می‌خواهند و آن‌ها خود را نمی‌بینند و خود را از خدا می‌بینند و برای خودشان شخصیت و حیثیتی قایل نیستند در مقابل

حق تعالی، این‌ها حجاب را برمی‌دارند.

خدای بزرگ بر آن‌ها تجلی می‌کند. نگاه می‌کند، نگاه عقلی، باطنی، روحی، عرفانی و ادراک و مشاهده می‌کند جلوه‌ی حق تعالی را. شهید هم بر حسب این روایتی که وارد شده است نظیر انبیا، چون همه‌ی هستی خود را در راه خدا داده خدای تبارک و تعالی به او جلوه می‌کند و او هم به «يَنْظُرُ اللَّهُ بِوَجْهِ اللَّهِ».

دره‌ها، همیشه در پی نور است، نوری از عشق، از خلوص، از خورشید دل‌ها در آسمان پر ستاره‌ی شهادت. گاهی اخترانی درخشان‌تر از دیگر ستاره‌ها، چشم‌ها را به سوی خویش جلب می‌سازند. این اختران نورانی، این کهکشان‌های آسمان شهادت با آرایش خاصی که یکی از تجلی «حب‌الله» در کنار هم قرار گرفته‌اند، جلوه‌ی رواق جهاد را نمایش می‌دهند.

آنچه که شهید و شهادت و دفاع محسوس را قداست و کرامت بخشید، روح آسمانی و بلند شهرداری بود که دور از وسوسه‌های دنیاست جبهه و جاذبه‌های زندگی، به آرمانی بزرگ‌تر و زندگی برتری می‌اندیشیدند. به حالت طیبه‌ای که در سایه‌ی ایمان و ایثار و عمل صالح بین ما و حق تعالی روجه الله است و تجلیات حق تعالی. تمام این حجاب‌ها منتهی می‌شود به حجاب خدا، انسان، انسان خودش حجاب بزرگی است که همه‌ی حجاب‌هایی که هست، در آن حجاب‌هایی که از ظلمت باشد و یا آن حجاب‌هایی که از نور باشند منتهی می‌شوند، حجابی که خود انسان است.

ما خود حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله. اگر چنانچه کسی فی سبیل الله در راه خدا، این حجاب را وانهد و آن را شکست یعنی آنچه که داشته که عبارت از خودش بود تقدیم خدا کرده.

در این مبدأ همه‌ی حجاب‌ها را شکسته است؛ خودبینی و شخصیت خودش را شکسته و تقدیم کرده است. چون برای خدا جهاد کرده و برای خدا دفاع کرده

است. از کشور خدا و از آیین الهی و هرچه داشته در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده و خود را داده و حجاب را شکسته است.

شهدایی که برای خدای تبارک و تعالی و در راه خدای تبارک و تعالی و در مسیر او جان خودشان را تقدیم می‌کنند و آنچه در دست دارند و بالاترین چیزی که مالکش هستند تقدیم خدا می‌کنند، در عوض، خدای تبارک و تعالی این حجاب که برداشته شد، جلوه می‌کند و بر آن‌ها تجلی می‌نماید، در دوران پربرکت حاضران در خدمت در مسیر اسلام و انقلاب اسلامی و دفاع از کیان این نظام مقدس بوده و در یک کلمه، عمل به وظیفه، هر جا که باشد، به هر صورت به تکلیف عمل نموده، در کاری خدایی انجام شده.

آری، شهدای خمین سرافراز عشق و جهاد، تابع تکلیف بودند و به وظیفه و آرمان همیشه جاویدش یعنی اسلام می‌اندیشیدند!

در این تاریخ که همه را از یاد می‌برد، همه چیز را مشمول «مرور زمان» می‌سازد، آنان که همواره زنده و جاویدند و نام یادشان الهام‌بخش دل‌ها و خاطره‌انگیز است، تنها در سایه همین رسالت «عمل به تکلیف» است که ماندگار شده و «خلوص» خویش را خرج هدایت نسل‌ها و اندیشه‌ها کرده‌اند. به گونه‌ی حسین(ع) سالار شهیدان عاشورایی، و همچون اسماء «تسبیح سره» گشاینده راه جهاد و شهادت برای نسل معاصر.

سرداران همیشه سرافراز و جاوید خمین نیز از این تبار بودند.

به راستی چیست راز گل سرخ؟

چیست رمز لاله‌های عاشق آغشته به خون؟

یا نجوای دید و باز دید گرم شایرک‌ها؟

یا آتش لاله و ترانه‌های چشمه؟

نوازش بهار و رنگارنگی پاییز، جویبار ستارگان و تنگ بلور شبمن:

سرود ساحل و آواز مرغان مهاجر...؟

و نگاه حسرت زده و امیدوار تو به افق‌های دوردست، به سمت قبله؟

حیات این همه، جز تجلی «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تَفْقَهُونَ سُبُّهُمْ»<sup>۱</sup> و «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»<sup>۲</sup>.

شهدا، چشم‌ها عیان خویش را با زلال نور شستند و فرشته‌هایی پاک از نسیم زیبای خورشید شستند. دانه‌های صبحگاهی و شامگاهی‌شان نغمه نرم، «سبح قدوس» را زمزمه کردند. باز مست و مدهوش باری تعالی گشتند و طلوع دوباره یافتند، طلوعی که بر همان هزاران حرف زیبای دل است. تمامی دل گرفتگی‌ها، اشک‌ها، آرزوها، جاماندن‌ها، شجره‌ازی و فانی‌ها و اظهار لطیفانه سرخوردگی‌ها و همه همه با رسیدن به معبود ارنی در این طلوع دل‌انگیز خلاصه شد.

شهدا، نمی‌توانستند دنیایی باشند، چرا که گل دل هایشان هرگز پرمردگی پذیر نبود تا برای تسکین و دوباره شادابی‌اش، آبی به پاوش بریزند. آنان را خارا کرده بودند و فطرت‌های هزار مریض را به پایکی و قوه رسانده بودند.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این مختار را خاندان نبوت و ولایت به ذریه و طایفه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. شهیدان، پیروان سیدالشهدا هستند که در راه اسلام و قرآن کریم از عرصه ۶ ماهه تا پیرمرد ۸۰ ساله را قربانی نمودند و اسلام عزیز را با خون خویش جاری و زنده نگاه داشتند.

اسلام دین خون برای فجار و هدایت است، برای مردم دیگر، اولیای ما

۱. بسم هسی. حمد و تسبیح حدای گویند، اما شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. (سوره اسرا / آیه ۴۴)

۲. همگان نماز و تسبیح خویش را می‌دانند. (سوره نور / آیه ۴۱)

بی‌هراس خون دادند و بی‌هراس در جنگ‌های خونین وارد شدند. امیرالمؤمنین(ع) آن موجود یگانه در عین حالی که نهج البلاغه را برای هدایت داشت، شمشیر هم برای توطئه‌گران داشت. ما خون‌ها دادیم مثل علی بن ابیطالب و علی بن حسین و سرهای بر نیزه رفته دادیم مثل سیدالشهدا و اصحاب و اعوان او.

اسلام را تمام اعصار با خون و با شمشیر و با اسلحه به پیش رفت و نمایش پیدا کرد.<sup>۱</sup> دین اسلام بر پایه «شهادت دادن» به حقانیت واپسین وحی خداوند از طریق واپسین پیامبر (ص) تجلی یافت و این به نفس انسان و روح او مربوط می‌شود. بنابراین بر یا اسلام آن دل‌ها، قلب‌ها، غنچه‌های جوان و نوجوان هزاران بسیجی پرشید به سر خدا و خود را مست از شراب ازلی نمودند. آنان نفس بهارگستر خود را به باغ‌های جان‌ها دمیدند و در خانه دل‌ها کاشانه کردند و صمیمیت و پاکی و خلوص را در سرزمین قلب‌ها به یادگار گذاردند.

۱ - از پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله مدنی ۶۰/۶/۲۱